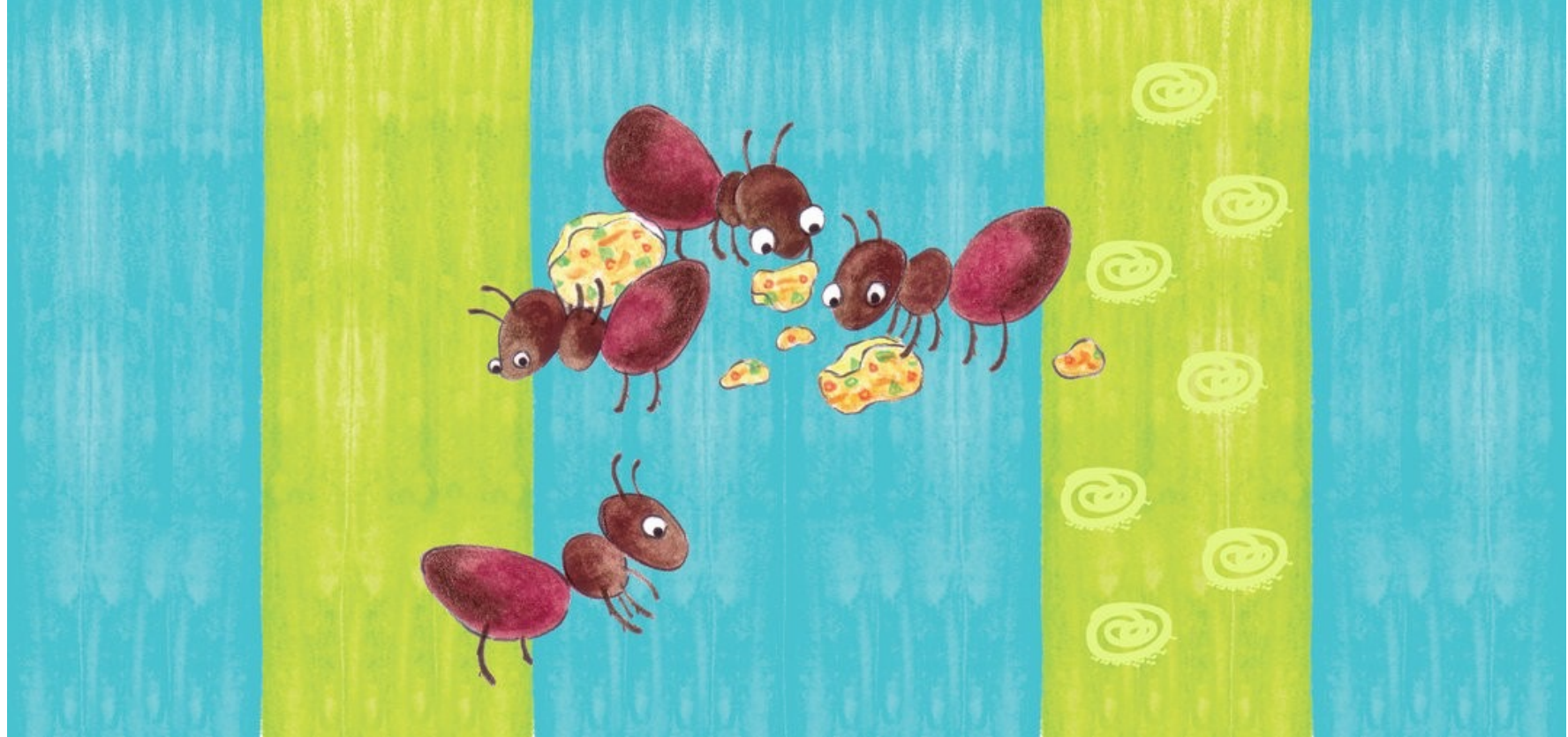


# مورچه های مصروف



نویسنده: کنچان بنرجی  
مترجم: فرید احمد کریمی



سلام! من نفر چهارم در قطار هستم. آیا می‌توانی من را ببینی؟



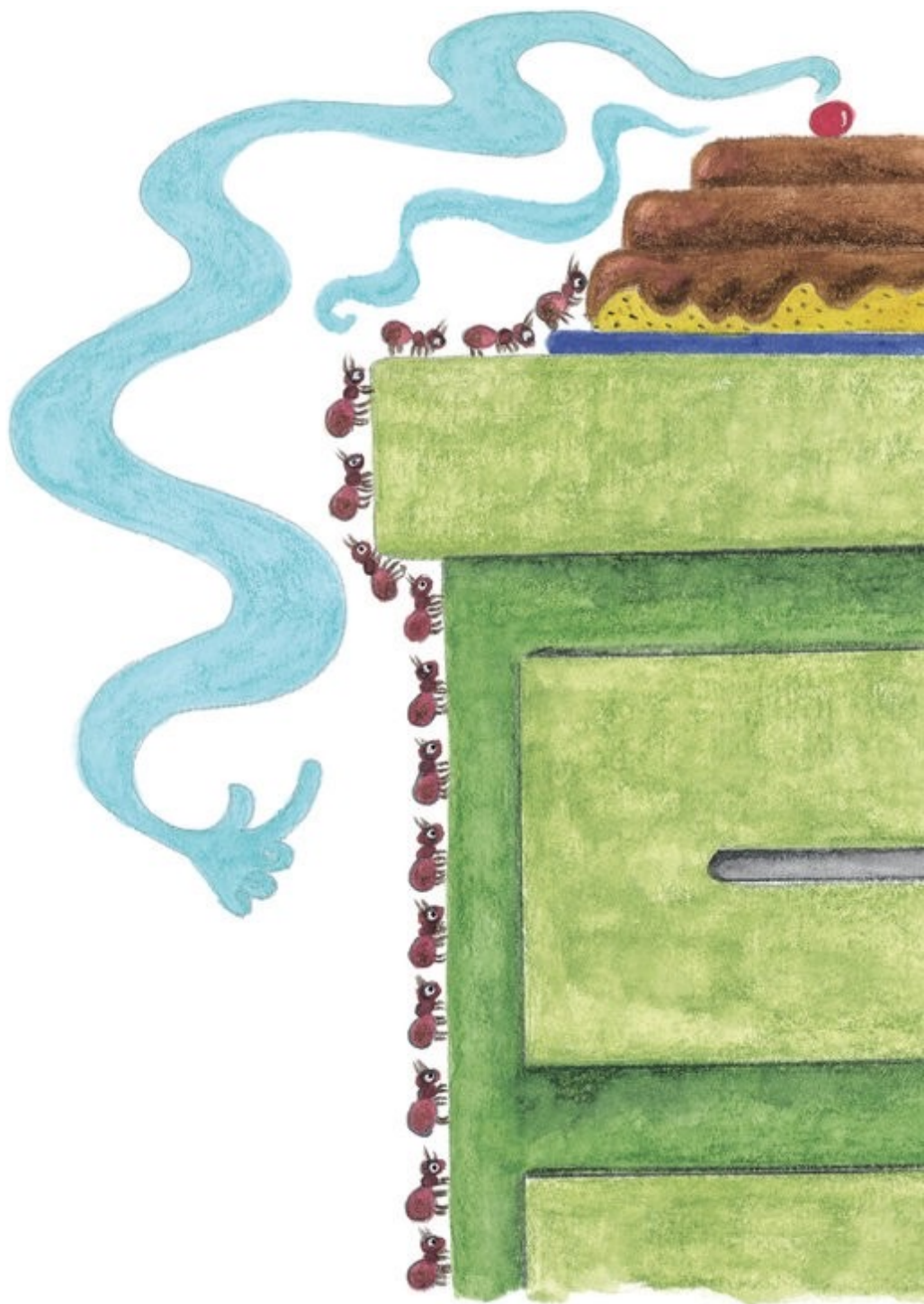
ما قطار خاموشانه حرکت می کنیم. چپ، راست، چپ، راست.



من یک مفکوره دارم. من یک  
ست تایر برای تیز حرکت کردم  
میگیرم!



ما مانند دیگر حیوانات غالمغالی نیستیم. ما با بوی کردن صحبت می کنیم.



یک نوع حس بویایی میگوید، «من  
را در این مسیر که به طرف جشن  
میرود، تعقیب کنید!»



یک حس بویایی دیگر می گوید، «خطر! آنجا نروید.»



من کیک ها و دیگر انواع شیرینی ها را مانند شما خوش دارم.

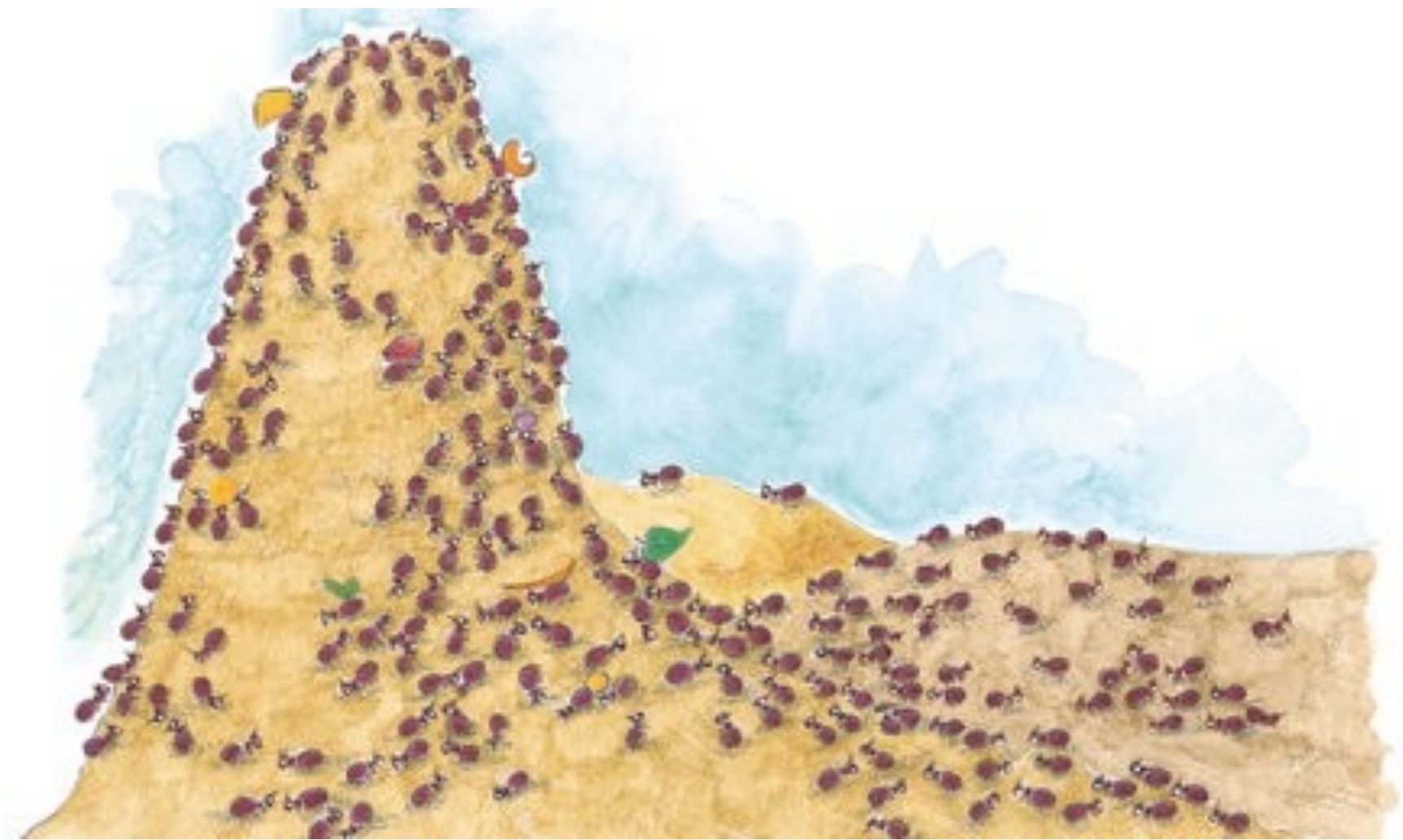




آیا میخواهید عضلات من را در  
وقت کار کردن ببینید؟ من شاید  
به شما بسیار خورد معلوم  
شوم، اما بسیار قوی هستم.

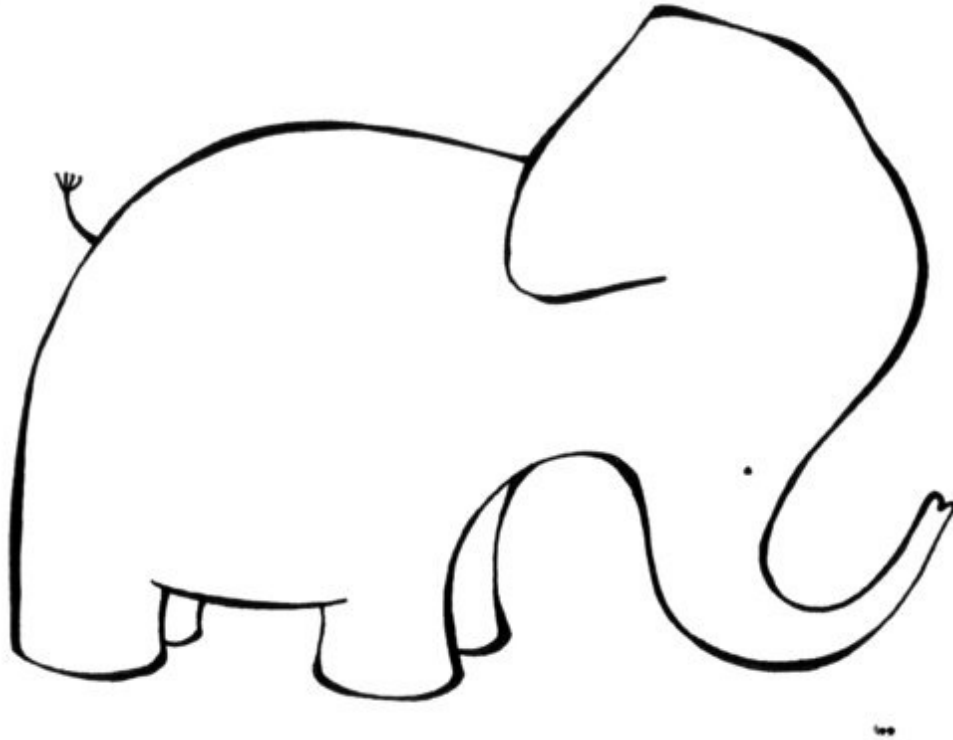


اگر دروازه بسته بود، پریشان  
نباشید. من میتوانم از کوچکترین  
درز عبور کنم.



باور می کنید یا نه، صدها مورچه با خوشحالی در یک  
اجتماع زندگی می کنیم.

بیا یاد بعضی کلمات جدید را یاد بگیریم.



خورد - کلان  
آهسته - تیز  
قد کوتاه - قد بلند  
لاغر - چاق  
سخت - نرم  
غالمغالی - آرام

بعضی کلمات با شکل مخالف آنها در اینجا موجود است. آیا میتوانید این لغات مخالف جمله بسازید؟ بطور مثال: «یک مورچه خورد است؛ یک فیل کلان است.» «به اندازه مورچه ها مصروف» این یک طریقه تعریف شخصی است که بسیار سخت کار می کند.

## سوالات رهنمودی

1. آیا شما مورچه ها را در وقت کار کردن، دیده اید؟ چه را مشاهده کردید؟
  2. بعضی ویژگی های مورچه ها چیست؟
  3. مورچه ها چه را خوش دارند؟ چه را مورچه ها خوش ندارند؟
  4. مورچه ها در کجا زندگی می کنند؟
- آیا شما کوشش کردید مانند یک مورچه زندگی نمایید؟ چرا؟ چرا نی؟